

میراث نامه

برج مقبره زرین نوا قائمشهر

مهدی خلیلی و محمد صادقی*

■ طبرستان در قرن ۹ هجری قمری شاهد حوادث خاص سیاسی-اجتماعی چون، شکل‌گیری حکومت مرعشیان و بورش چندبهاره امیرتیمور گورکانی بوده است. همانطور که تحولات سیاسی و مسایل اجتماعی در جامعه تأثیر می‌گذارند، در ساخت بناها نیز این اتفاق و تحول روی داده است. در دوره اسلامی به علت قداستی که مقابر پس از مساجد داشته، ساخت آنها بسیار رواج پیدا کرده است. یکی از این مقابر برجی در شهرستان قائمشهر با نام زرین‌نوا، مربوط به همین دوره (قرن ۹ ه. ق.) است. مقابر به بناهایی گفته می‌شود که روی گورها ساخته و با واژه‌هایی چون مزار، مقبره، بقعه، آرامگاه، روضه و امامزاده نیز یاد می‌شوند که به منظور یادبود و گرامیداشت از دست رفته‌ای، بر محل دفن او ساخته می‌شود. یک نوع از این مقابر، برج‌مقبره نامیده می‌شود که یکی از شاخصه‌های بناهای دوره اسلامی و محل دفن شخصیت‌های مذهبی و سیاسی بوده است. این نوع مقابر دارای پلان مدور، مربع یا چند ضلعی با گنبد رک (هرمی) با فضای مرکزی است. احتمالاً ریشه این نوع بناها الهام‌گرفته از خیمه‌های ترکان آسیای مرکزی بوده و اوج ساخت این نوع بناها در دوره سلجوقیان (۵۹۰-۴۲۹ ه. ق.)، ایلخانیان (۷۳۶-۶۵۴ ه. ق.) و تیموریان (۹۰۳-۷۷۱ ه. ق.) بوده است. در استان مازندران براساس بررسی‌های انجام شده، ۹۷ برج‌مقبره‌ای شناسایی و ثبت شده است. یکی از این مقابر برجی شکل با نام زرین‌نوا (با گویش محلی با نام سیزن نوا)، در بخش مرکزی شهرستان قائمشهر در روستای چمازکئی، در میان گورستان قدیمی و فعلی محل و در میان درختان کهنسال واقع شده و دور تا دور این مجموعه، زمین‌های کشاورزی قرار دارد.

این بقعه با پلان چهارضلعی، که هر ضلع خارجی آن ۵×۵ متر و ضلع درونی آن ۳۴۰×۳۴۰ سانتی‌متر و پهنای دیوارها ۸۰ سانتیمتر است، مصالح اصلی بنا آجر و گچ است. آجر به عنوان مصالح اصلی معماری، نقش تزئینی در نمای خارجی دارد. نمای بیرونی بنا با بدنه چهار گوش، قسمت انتقالی هشت ضلعی و گنبد هرمی شکل هشت‌وجهی قابل تشخیص است. گنبد به علت شرایط جغرافیایی از نوع رک، همچنین از نوع دوپوش است، در زیر لبه گنبد غیر از قریزیه‌ای دو کنج، هر ضلع ۱۱ قریز سینه کفتری دارد و در بالا میان هر دو قریز، کاشی نیم بیضی آبی رنگ وجود دارد. زیر قریزها در دو ردیف افقی جدا از هم کاشی‌کاری است. سقف داخلی بنا نیم‌کره



و گچ‌کاری است. در چهار جهت شمالی، شرقی، جنوبی و غربی در بدنه انتقالی (گزیو) قاب مربع با ابعاد ۹۰×۹۰ سانتیمتر جهت قرار دادن کاشی ساخته شده است. در ضلع جنوبی بقعه یک پنجره جای گذاشته شده است. قبل مرمت در جلوی ورودی درب بقعه که رو به شرق است، اتاقی مربع شکل قرار داشته که امروزه فقط شالوده آن قابل رویت است. این بنا در سال ۱۲۸۱ مرمت شده است. صندوق چوبی با تزئینات ظریف و زیبا و دارای کتیبه که قبلاً در داخل بنا بوده، امروزه در گنجینه میراث فرهنگی استان، نگهداری می‌شود. در این کتیبه تاریخ ساخت بنا به سال ۸۵۵ هـ.ق اشاره شده، همچنین نام معمار (استاد فخرالدین بن محمود) ذکر شده ولی نام متوفی حک نشده است. بر اساس زیارت‌نامه داخل بقعه، نام متوفی (آقاسیدمحمدابن سیدعلی زری‌نوابی) ذکر شده است. درازی این صندوق ۲۷۶ و پهنای آن ۱۴۴ سانتی متر است. ۹۶ سانتی‌متر است. برج‌مقبره با توجه به فرم معماری و کتیبه صندوق چوبی، مربوط به دوره تیموری در سده ۹هجری‌قمری است. نمونه فرم این برج‌مقبره در مازندران، قابل مقایسه با مقابر ناصرالحق، بقعه شمس آل‌رسول و امامزاده ابراهیم در آمل و امامزاده صالح مرزود و سید زین‌العابدین در ساری و بقعه طاهر و مظهر در روستای هزار خال بخش کجور است. یکی از نخستین اشارات مکتوب در مورد بنا و صندوق چوبی بقعه، پژوهش و تالیف آقای منوچهر ستوده در سال ۱۳۶۶، در جلد چهارم کتاب از آستارا تا استرآباد است. همچنین رساله دکتری آقای جواد نیستانی در سال ۱۳۸۳، که با عنوان پژوهشی در بناهای آرامگاهی مازندران مرکزی در قرن ۹ هجری (با تأکید بر ویژگی‌های معماری بومی) بوده، اشارهای نیز به این بنا کرده است. این برج‌مقبره در ۲۵ اسفند ۱۳۷۹ و به‌شماره ۳۳۲۷ در فهرست بناهای تاریخی کشور به ثبت رسیده است.

*دانشجویان کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی



«صلح تنها به معنای نبودن جنگ بین دولت‌ها نیست. صلح از درون انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد و به روابط صلح‌آمیز بین اعضای خانواده و افراد اجتماع و در نهایت ملت‌ها منجر می‌شود، پس باید جنبش صلح‌طلبی را از درون خود آغاز کنیم.» موزه صلح تهران

موزه صلح تهران آرام و بی‌ادعا، درست مثل ساکنانش، گوشه دنجی از ضلع شمالی پارک شهر تهران را اشغال کرده. عبارتی که به تعجیل می‌خواهند راه میابنری از پارک شهر به مقصدشان بزنند یا آنان که در زیباترین و قدیمی‌ترین پارک تهران ساعاتی را می‌گذرانند هرگز نمی‌توانند حدس بزنند که در دل این ساختمان ساده نه چندان بزرگ چه تاریخ درآور و چه آرمان والایی خانه کرده است. حسن حسنی، جانباز شیمیایی ۷۰درصد، که از هنگام ورود من راهنماییم در موزه را به عهده گرفته انگار می‌خواهد حرف آخر را اول بزند و توضیحش درباره موزه را این‌گونه شروع می‌کند: «ما هر چه از جنگ اینجا نشان می‌دهیم برای دفاع از صلح است. برای اینکه بشیریت دیگر چنین فاجعه‌ای را تکرار نکند. باور کنید اینجا حتی جانبازی‌مان را هم نمی‌خواهیم به نمایش بگذاریم» و با تواضع ادامه می‌دهد «این عکس‌ها و اسناد را اینجا نگذاشته‌ایم تا مردم را ناراحت کنیم؛ گذاشته‌ایم تا همه برای جلوگیری از تکرار فاجعه در هر جای دنیا هوشیار باشند» اما برعکس به باور من گاهی بهتر است آدم ناراحت شود، غصه بخورد و آه بکشد آن هم تا مغز استخوان و گریه کند، شاید فقط در آن‌صورت بتوان جلوی عفریت جنگ را گرفت. بشر قرن‌هاست که می‌جنگد، برای جا، غنّه، آب، قدرت، پول یا سرزمین یا باورهای

بیمارگونه‌اش. اما صلح به معنای امروزی آن مفهومی است نسبتاً نو و از آن نوتر موزه‌های صلح به عنوان نماد تلاش برای نشان دادن و زنده نگه داشتن خاطره تبمات ویرانگر جنگ بر انسان‌ها و محیط پیرامونشان. چرا که بیم آن وجود دارد که حافظه ناپایدار آدم‌ها آگاهانه یا ناآگاهانه این زشتی‌ها را به گوشه ذهنشان براند و پس از مدتی همه را چون کابوسی باورنکردنی کتمان کند. آیا واقعاً بشیریت ممکن است به چنین جنونی دست زده باشد؟

محمدرضا تقی‌پور، رییس موزه که از ۱۵سالگی

جانباز ۷۰درصد شده، درباره اندیشه تشکیل موزه صلح

تهران می‌گوید «فکر تشکیل موزه در ملاقات اعضای

انجمن حمایت از قربانیان شیمیایی با مسوول هماهنگی

شبکه جهانی موزه‌های صلح در سال ۱۳۸۴ در تهران

شکل گرفت و دیدار هسته اولیه تشکیل‌دهندگان موزه

که خود از جانبازان هشت سال دفاع مقدس هستند از

هیروشیمای ژاپن که امروز کانون فعالیت‌های ضد جنگ

به‌شمار می‌رود طرح را به اجرایی‌شدن نزدیک کرد. منطقه

۱۲شهرداری تهران نهادی بود که ساختمان موزه را در

اختیار بانیان آن قرار داد و بی‌آنکه در سیاست‌گذاری‌ها

مداخله کند بار تجهیز و حمایت مالی را پذیرفت و این

حمایت تا امروز ادامه دارد.»

مسوولان موزه تلاش کرده‌اند تا در فضای محدود آن

تا حد امکان جنگ و همچنین تلاش‌های صلح‌طلبانه را

در مجموعه‌ای تنیده در هم آرایه کنند در قسمتی که

مربوط به اسناد جنگ ایران و عراق می‌شود بیش از همه

اسناد سازمان ملل متحد به چشم می‌خورد که به زبان

انگلیسی و فارسی مهاجم بودن عراق را تأیید می‌کند.

اظهارات صریح دبیرکل وقت، خاویر پرزگوبیار، نظرات

کارشناسان بین‌المللی و گزارش گزارشگران ملل متحد که

در جریان جنگ به مناطق درگیر سفر کرده‌اند گویای

آن است که صدام شروع کننده بوده است. در بین

این اسناد، اسنادی از تأیید حملات شیمیایی صدام به

نظامیان یا مردم غیرنظلی نیز دیده می‌شود. استفاده از

سلاح‌های شیمیایی با پیش از جنگ ایران و عراق فقط

در جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) انجام گرفته و بلژیک

اولین کشوری بود که در ۱۹۱۷ با گاز خردل به آن حمله

شد، پس از آن حتی در جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹)

میراث



عکس: آرشیو روزنامه

گزارشی از «موزه صلح» در پارک شهر تهران

مدافعان دیروز میهن، سفیران امروز صلح

مرجان پیشایانی

صلح جنگ از قالب اسناد خشک رسمی و اعلامیه‌ها بیرون می‌آید و ابعاد انسانی پیدا می‌کند. عکس قربانیان جنگ را می‌بینید و داستان زندگی‌شان را می‌شنوید و بخش بسیار مهمی که در جریان حفظ اسناد جنگ تا حدودی مهجور مانده به فعالیت‌های موزه اضافه می‌شود یعنی بخش تاریخ شفاهی. تاریخ شفاهی بیان حکایت و خاطرات شخصی رزمندگان و مردم عادی از جنگ و گاه تا حد یک داستان شौरانگیز است مثلاً در یکی از نوارها رزمنده‌ای در غرب کشور حکایت می‌کند که «منطقه بین ما و عراقی‌ها چند بار دست به دست شده بود. از خط اول برمی‌گشتیم که صدای دختر بچه‌ای را شنیدیم که به زبان کردی عراقی کمک می‌خواست و ما را به درون غاری هدایت کرد. مادرش عرق‌ریزان در دمند، در شرف زایمان از ترس گول‌لها و خمپاره‌ها به غار پناه برده بود و هر لحظه ممکن بود بچه به‌دنيا بیاید. پزشکی همراهمان نبود و ما تنها کمک مادر در آن شرایط سخت بودیم. بچه را بی‌هیچ امکاناتی در دل غار به دنیا آوردیم. مادر بلافاصله پس از تولد نوزادش گفت «خامش را ایران می‌گذارم.» کمتر کسی در جمع ما بود که پس از شنیدن این داستان اشکی را که می‌آمد تا گونه‌اش را خیس کند پاک نکرده باشد. از این حکایت‌ها در گنجینه تاریخ شفاهی موزه کم نیستند. در کنار مطالعه اسناد کمی وقت بگذارید و کتابخانه موزه را هم ببینید. اگر به دنبال کتابی در زمینه جنگ یا صلح هستید به احتمال قوی در آنجا پیدا می‌کنید.

بخش دیگر موزه بخشی است که به صورت تخصصی به فرمول سلاح‌های شیمیایی، مراحل ساخت، سابقه تاریخی و کشور‌های سازنده آن

پرداخته احمد رنگی‌آبادی از راهنمایان موزه و جانباز شیمیایی با ذکر جزئیات توضیح می‌دهد که اثرات کوتاه‌مدت و درازمدت بر بدن قربانی به چه صورت عمل می‌کند و چه بافت‌هایی به‌تدریج درگیر می‌شوند. دکتر شهریار خاطری، مدیر روابط عمومی و روابط بین‌الملل موزه می‌گوید: «ایران تنها کشوری است که تماس با سلاح‌های

شیمیایی را به طور گسترده تجربه کرده. ما بزرگ‌ترین قربانی این سلاح‌ها هستیم. موقعی که اولین موج هرازچندگاهی پذیرای نمایندگان سازمان‌های صلح کشورهای مختلف دنیا هستند که برای پیوند با فعالان صلح ایرانی به بازدید موزه می‌آیند. از آمریکا و آلمان و ژاپن گرفته تا کشورهای منطقه و همسایه.



عکس: آرشیو روزنامه

گزارش خبری

محصور کردن بی‌دلیل بیستون در میان داربست و نایلون

■ خبرگزاری میراث: محصور شدن کتیبه داریوش میان داربست فلزی و نایلون از جمله اقدامات جدید پایگاه پژوهشی بیستون است که منظر این اثر جهانی را مخدوش کرده است. هرچند کارشناسان این اقدام را اصولی نمی‌دانند و حتی معتقدند که باعث تخریب اثر می‌شود اما تاکنون مسوولان نسبت به اقدام خود پاسخی نداده‌اند.

مسوولان پایگاه پژوهشی بیستون در تازه‌ترین اقدام خود، با داربستی فلزی به همراه نایلون، بخشی از کتیبه داریوش را محصور کرده‌اند. هرچند تاکنون توضیحی درباره این اقدام داده نشده اما برخی کارشناسان معتقدند، استفاده از داربست‌های فلزی به دلیل واکنش شیمیایی و پدیده زنگ‌زدگی باعث تخریب تدریجی این اثر می‌شود. سنگ‌نوشته بیستون یکی از مهم‌ترین و مشهورترین سندهای تاریخ جهان و مهم‌ترین متن تاریخی در زمان هخامنشیان است که شرح پیروزی داریوش اول را بر گوماته مغ و به بند کشیدن یاغیان نشان می‌دهد. محوطه بیستون از سال ۲۰۰۶ در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است.

هرچند کتیبه داریوش و محوطه باستانی بیستون یکی از پربیننده‌ترین جاذبه‌های تاریخی استان کرمانشاه است، اما به تازگی داربست‌هایی فلزی با پوشش نایلون آن را محصور کرده‌اند. این پوشش نامناسب نمای این اثر تاریخی را برهم زده و به گفته کارشناسان میراث فرهنگی هیچ کاربرد حفاظتی یا پژوهشی ندارد. از سوی دیگر زاویه دید گردشگران نیز به شدت مخدوش شده است.

بسیاری از کارشناسان معتقدند استفاده از این پایه‌های فلزی در فاصله‌ای تا این حد نزدیک به کتیبه به هیچ‌وجه کارشناسی و درست نیست. به ویژه اینکه پل‌ها و داربست فلزی از جنسی ساخته شده‌اند که در برابر باران و تغییرات جوی واکنش شیمیایی و زنگ‌زدگی نشان می‌دهد و باعث تسریع در تخریب کتیبه و سنگ‌های اطراف خودشان می‌شوند.

به گواه برخی از بازدیدکنندگان، سال‌ها پیش از این سنگ‌نوشته و محوطه تاریخی بیستون محافظت و سنگگیری‌های فراوانی اتخاذ می‌شد، با این حال اما حالا مدتی است که این داربست‌های فلزی و بدمنظره در طلایی‌ترین قسمت نما و نزدیک‌ترین محل به سنگ‌نوشته داریوش بزرگ بی‌هیچ کاربردی نصب شده است و هم موجب نگرانی کارشناسان و دوستداران آثار



تاریخی را فراهم کرده و هم بازدیدکنندگان را به زحمت انداخته است.

در همین حال نگاهی به وب‌سایت پایگاه دایمی پژوهشی حفاظتی بیستون و دیگر وب‌سایت‌های وابسته به سازمان میراث فرهنگی کشور و اداره میراث استان کرمانشاه نشان می‌دهند مسوولان تاکنون هیچ توضیحی برای برپا کردن این داربست‌ها اعلام نکرده‌اند.

همچنین تاکنون پیگیری‌ها برای دریافت پاسخی از مسوولان بی‌نتیجه مانده است و گویی مسوولان دیگر حاضر به پاسخگویی نیستند.

در ۳۰ کیلومتری شرق کرمانشاه و در ارتفاع صد متری روی صخره‌ای، داریوش کتیبه مشهور خود را حک کرده است که تا سال ۱۸۳۵ کسی از راز آن آگاه نبود. چشمه بیستون محل اطراق کاروان‌ها در دوران‌های مختلف بوده برای همین کسان زیادی کتیبه داریوش را دیده‌اند و شرحی از آن را در سفرنامه‌ها یا خاطرات‌شان گفته‌اند. سنگ‌نوشته بیستون بزرگ‌ترین سنگ‌نوشته جهان، نخستین متن شناخته‌شده ایرانی و از آثار دودمان هخامنشیان مربوط به ۵۲۰ پیش از میلاد است. این اثر تاریخی در شهرستان هرسین در ۳۰کیلومتری شهر کرمانشاه بر دامنه کوه بیستون واقع است.

سنگ‌نوشته بیستون در ارتفاع چند ده متری از سطح زمین و بر دامنه رو به جنوبی کوه پرآوا ساخته شده است. آثار به‌جای‌مانده از پلکانی در قسمت بالایی کوه بیستون این احتمال را تقویت می‌کند که سنگ‌تراشان از این راه برای رسیدن به محل سنگ‌نوشته استفاده می‌کرده‌اند و پس از پایان کار پلکان را به منظور غیرقابل دسترس کردن اثر تراش داده‌اند.

سنگ‌نوشته بیستون بر سنگ‌هایی از جنس آهک ایجاد شده است. آثار رنگ لعاب قهوه‌ای ماندنی که پس از همراه شدن با ذرات اکسیده شده آهک و همچنین بقایای سربی که در چند سطر نخست اثر دیده شده نشان می‌دهد در پایان کار برای افزایش طول عمر اثر تمام نمای آن را با اندودی ناشناخته پوشانده‌اند.

این اثر به شماره ۱۲۲۲ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است و در نشست سیام یونسکو در سال ۲۰۰۶ نیز به فهرست میراث جهانی افزوده شد.